دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر - 15 /آذر/ 1388

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
تبریك عرض میكنم این عید سعید، این روز بزرگ، این حادثه‌ی عظیم تاریخی را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز ؛ به همه‌ی ملت ایران، به همه‌ی شیعیان و همه‌ی مسلمانان جهان.
عید غدیر را فرموده‌اند: «عید اللّه الاكبر» ؛ از همه‌ی اعیاد موجود در تقویم اسلامی این عید بالاتر است ؛ پرمغزتر است ؛ تأثیر این عید از همه‌ی این اعیاد بیشتر است. چرا؟ چون تكلیف امت اسلامی در زمینه‌ی هدایت، در زمینه‌ی حكومت، در این حادثه‌ی غدیر معیّن شده است. حرفی نیست كه بر طبق توصیه‌ی پیامبر اعظم در غدیر عمل نشد - پیغمبر هم طبق بعضی از روایتها خبر داده بود كه عمل نخواهد شد - اما مسئله‌ی غدیر، مسئله‌ی ایجاد یك شاخص است، یك معیار و میزان است. تا آخر دنیا مسلمانان میتوانند این شاخص را، این معیار را جلوی خودشان قرار بدهند و تكلیف مسیر عمومیِ امت را معیّن كنند. اینی كه پیغمبر اكرم حساسترین زمان را برای اعلام مسئله‌ی ولایت انتخاب كرد، این انتخابِ پیغمبر نبود، انتخابِ خدای متعال بود. از طرف پروردگار وحی رسید كه: «بلّغ ما انزل الیك من ربّك». (1) نه اینكه پیغمبر مسئله‌ی امامت و ولایت را از سوی پروردگار قبلاً نمیدانست ؛ چرا، از اولِ بعثت برای پیغمبر مسئله روشن بود. بعد هم حوادث گوناگون این بیست و سه سال، آنچنان این حقیقت را عریان كرد و آشكار كرد كه جای تردیدی باقی نمیگذاشت ؛ اما اعلان رسمی باید در حساس‌ترین زمان اتفاق می‌افتاد و به دستور پروردگار اتفاق افتاد: «بلّغ ما انزل الیك من ربّك و أن لم تفعل فما بلّغت رسالته» ؛ (2) یعنی این یك رسالت الهی است كه باید بگوئی. بعد هم كه در غدیر خم، در نزدیكی جحفه، نبی مكرم مردم را متوقف كردند، كاروانهای حجاج را جمع كردند و این مطلب را اعلان كردند، آیه‌ی شریفه آمد كه: «الیوم اكملت لكم دینكم و اتممت علیكم نعمتی» ؛ (3) نعمت كامل شد، دین كامل شد. در سوره‌ی مبارك مائده قبل از آیه‌ی «الیوم اكملت»، این آیه‌ی مبارك است: «الیوم یئس الّذین كفروا من دینكم فلا تخشوهم و اخشون» ؛ (4) امروز روز یأس و ناامیدی دشمنان است ؛ یعنی معیار مشخص شد، شاخص معلوم شد ؛ امت هر وقت بخواهند، هر وقت چشم خود را بر حقیقت باز كنند، شاخص را خواهند دید، معیار را مشاهده خواهند كرد، تردیدی باقی نخواهد ماند. اهمیت غدیر این است.
قضیه‌ی امامت و ولایت آنچنانی كه در تاریخ اسلام هم مشخص است، معلوم است، یك قضیه‌ی الهی است. این جور نیست كه پیغمبر اكرم با محاسبه‌ی شخصی خود، امیرالمؤمنین را انتخاب كرده باشد ؛ اگرچه همه‌ی محاسبات شخصی هم هر كسی را به همین نتیجه میرساند كه جانشین پیغمبر علی است ؛ اما اقدام پیغمبر، یك اقدام الهی بود. از اوائل بعثت، آن وقتی كه پیغمبر اكرم خود را در مكه بر قبائل گوناگون عرب عرضه كرد، اسلام را بر آنها عرضه كرد - كه این یك ماجرای مفصلی است در تاریخ قبل از هجرت، در اوائل بعثت - به این قبیله رفت، به آن قبیله رفت، رئیس یكی از قبائل كه در تاریخ مشخص شده است - اینها جزو مسلّمات تاریخ است و مسئله‌ی شیعه و سنی در بیان این وقایع نقشی ندارد ؛ خود برادران اهل سنت این را نقل كرده‌اند - به پیغمبر عرض كرد كه ما حاضریم دسته‌جمعی به اسلام ایمان بیاوریم، به یك شرط ؛ آن شرط این است كه بعد از تو، این كار در اختیار ما باشد ؛ رئیس قبیله‌ی ما بشود جانشین تو. در تاریخ دارد كه پیغمبر در پاسخ این شخص فرمود: نه، «هذا امر سماویّ» ؛ این یك مطلبی است كه در اختیار من نیست ؛ این آسمانی است، در اختیار خداست. آنها هم ایمان نیاوردند و رفتند. پس مسئله‌ی خلافت پیغمبر بر اساس وحی الهی است ؛ بر اساس اراده‌ی پروردگار است، دست پیغمبر هم نبود. اما اگر پیغمبر اكرم میخواست انتخاب بكند، چه كسی را باید انتخاب بكند؟ آن كسی باید قاعدتاً مورد گزینش نبی مكرم قرار بگیرد كه همه‌ی معیارهای اساسی اسلام در او در حد كامل باشد. خب، حالا امیرالمؤمنین را همه‌ی مسلمانان عالم در محاسبه‌ها بسنجند - درست است كه احادیث گوناگونی در فضیلت برخی از صحابه نقل شده است - معیارها

را نگاه کنند، پهلوی هم بگذارند، ردیف کنند، اینها را با قرآن و با سنت مسلّم مقایسه کنند، ببینند چه کسی برگزیده خواهد شد. علم امیرالمؤمنین، که علم یکی از معیارهاست ؛ پیغمبر اکرم دربارهی امیرالمؤمنین طبق نقل همهی مسلمانان - شیعه و سنی - میفرمود: «انا مدینة العلم و علیّ بابها»، (5) از این بالاتر چه شهادتی؟ دربارهی جهاد امیرالمؤمنین، خدای متعال: «و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّه»، (6) آیه نازل شده است در مورد مجاهدت امیرالمؤمنین و ایثار امیرالمؤمنین ؛ دربارهی کس دیگری این آیه نازل نشده است. دربارهی انفاق امیرالمؤمنین: «و یطعمون الطّعام علی حبّه مسکینا و یتیما و اسیرا» ؛ (7) امیرالمؤمنین و خاندان مکرم نزدیك او مشمول این آیهاند. «انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین امنوا الّذین یقیمون الصّلاة و یؤتون الزّکاة و هم راکعون». (8) همه گفتهاند این، دربارهی امیرالمؤمنین است. این معیارها - معیارهای متعددی که در اسلام، معیار برگزیدگی است، معیار برتری است - از علم و تقوا و انفاق و ایثار و جهاد و بقیهی معیارهائی که در اسلام وارد شده است، همه و همه، یکی یکی با امیرالمؤمنین تطبیق میکند. کیست که بتواند این چیزها را در علی بن ابیطالب (علیهالسّلام) انکار کند؟

دعوت ما از همهی مسلمانان عالم این است که این حقائق را مورد تأمل قرار بدهند. ما در عالم وحدت امت اسلامی هیچ اصراری نداریم که یك فرقه عقائد یك فرقهی دیگر را حتماً قبول کنند ؛ نه، وحدت به معنای این نیست. وحدت به معنای این است که با عقائد مختلف، شعب مختلف، مشترکات را بگیرند، موارد محل اختلاف را وسیلهی برادرکشی و جنگ و دشمنی قرار ندهند ؛ مسئلهی وحدت این است.

اما به عنوان بیان حقیقت و طلب حقیقت، این یك درخواست منطقی است از همهی مسلمانان: بروند تحقیق کنند، ملاحظه کنند، آنچه را که محققین شیعه نوشتند، علمای بزرگ شیعه در زمان خود ما جمع کردند، نوشتند، تحقیق کردند، در دنیای اسلام آنها را عرضه کردند، نوشتهی آنها مورد تقدیر علمای اسلام، روشنفکران اسلام، برجستگان اسلام قرار گرفته است، اینها را ملاحظه کنند ؛ خودشان را محصور نکنند، محروم نکنند. کتابهای مرحوم سید شرفالدین عاملی (رضوان اللّه علیه)، کتاب شریف الغدیر تألیف علامهی امینی، اینها حقایقی است که جمع شده است. مسئلهی غدیر یك مسئلهی مسلّم تاریخی است. در دهها کتاب، مرحوم امینی دهها طریق از طرق اهل سنت را نقل میکند که ماجرای غدیر را به همین شکل که ما نقل میکنیم، نقل کردهاند. این چیزی نیست که فقط در کتابهای ما باشد. حالا در معنای مولا، بعضی ممکن است خدشه کنند، بعضی خدشه هم نمیکنند. ماجرا یك ماجرای حقیقی، واقعی و بیان معیار است ؛ مشخص است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه آلاف التّحیّة و السّلام) یك قلهی مرتفع است ؛ هم برای حاکم اسلامی و حکومت اسلامی، هم برای هر فرد مسلمان.

جوانی آن بزرگوار، الگوست برای جوانهای امت اسلام ؛ آنجور با صفا و صداقت و بصیرت، حقیقت را دیدن، شناختن، به دنبال آن دویدن، از آن با همهی وجود دفاع کردن، میدانهای خطر را طی کردن، خطر را ندیده گرفتن و به هیچ انگاشتن، از راه صحیح یك سر سوزن منحرف نشدن، چشم به پیغمبر داشتن، «یحذو حذو الرّسول» ؛ (9) دنبال پیغمبر قدم به قدم حرکت کردن، در مقابل امر الهی و اوامر پیغمبر تسلیم محض بودن، در عین حال لحظه به لحظه بر دانش خود افزودن، عمل را با علم خود منطبق کردن در همهی آنات زندگی. این، جوانی امیرالمؤمنین است. دورهی میانسالی و سالخوردگی امیرالمؤمنین هم مشحون از امتحانهای دشوار، امتحانهای عجیب و غریب است و در همهی اینها آن صبر عظیم، صبر جمیل ؛ مصلحت اسلام را - آنجائی که مصلحت اسلام در خطر است - بر همه چیز ترجیح دادن، حتّی بر حق مسلّم خود. امیرالمؤمنین میتوانست آن وقتی که احساس میکرد حق او ضایع میشود، قیام کند ؛ علی که از کسی نمیترسید. او کسی بود که اگر جلو هم میافتاد، مطمئناً کسانی دنبال او حرکت میکردند ؛ اما «فأمسکت بیدی یدی حتّی رأیت راجعة النّاس قد رجعت عن الإسلام یدعون إلی محق دین محمّد (صلّی اللّه علیه و آله)» (10) میفرماید: دیدم انگیزههای مخالف با اصل دین، دارد در دلها زنده میشود، دشمنانی هستند، مخالفینی

هستند، میخواهند از موقعیت استفاده کنند، لذا من آمدم وسط میدان، از اصل دین دفاع کردم ؛ از حق خود گذشتم و عبور کردم. مصلحت اسلام را اینجور با همه‌ی وجود رعایت میکند. آن وقتی هم که نوبت حکومت و سیاست به حسَب تقدیر الهی به او میرسد، مردم مراجعه میکنند، اصرار میکنند، از آن حضرت میخواهند که زمام قدرت را در دست بگیرد، مقتدرانه وارد میدان میشود ؛ «لایخاف فی اللّه لومة لائم» ؛ (11) از هیچ چیز نمیترسد، هیچ ملامتی او را از راه بر نمیگرداند. یك الگوی کامل ؛ این امیرالمؤمنین است ؛ این آن انسان والائی است که شیعه برای او این ارج و مقام را قائل است. این را خوب است همه‌ی امت اسلامی توجه کنند.

حادثه‌ی غدیر به نگاه مرحوم علامه‌ی امینی (رضوان اللّه تعالی علیه) صاحب کتاب الغدیر و بعد در نگاه مرحوم شهید مطهری (رضوان اللّه علیه) وسیله‌ی وحدت امت اسلامی است. گمان نکنند بعضی که حادثه‌ی غدیر مایه‌ی اختلاف است ؛ نه. امروز ببینید که بیش از همیشه - در گذشته هم بوده است - شیعه را متهم میکنند. ببینند مسئله‌ی تشیع برآمده‌ی از یك اعتقاد صحیح سالم خالص نسبت به وحی الهی است - این است معنای تشیع - اعتقاد به ارزشهاست، اعتقاد به معیارهاست، ملاك قرار دادن معیارهائی است که قرآن آنها را ملاك قرار داده است. حالا یك مشت یاوه‌گوی هرزه‌گو در گوشه و کنار دنیای اسلام شیعه را متهم کنند به آن چیزی که شیعه فرسنگها از آنها دور است ؛ مسئله‌ی ساختگی بودن و جعلی بودن و بعداً به وجود آمدن و سیاسی بودن و این حرفها را پیش بیاورند! نه، مسئله‌ی غدیر خط بطلان میکشد بر همه‌ی اینها.

چه سودی میبرند آن کسانی که سعی میکنند این جمعیت و این جریان عظیم اسلامی را از محدوده‌ی اسلام بیرون نشان بدهند، که سیاستها امروز دنبال آنهایند. امروز سیاستها همین را ترویج میکنند ؛ چرا؟ چون شیعه به برکت روح ولایت توانسته است کاری را بکند که همه‌ی مسلمانان آرزوی آن را داشته‌اند. همه‌ی مسلمانان خیرخواه و دلسوز و علاقه‌مند آرزو میکردند که یك روزی اسلام با همان تمامیت و حقانیت بر کرسی قدرت بنشیند. روشنفکران مسلمان در این یکی دو قرن اخیر در حسرت چنین روزی زندگی کردند و در حسرت او از دنیا رفتند. امروز این را شیعه به وجود آورده است ؛ این حاکمیت اسلامی را، این عظمت اسلامی را، این عزت اسلامی را. این، به برکت روح ولایت است. دشمن این را می‌بیند، میخواهد دوْر شیعه را، دوْر اهل ولایت را خالی کند. لذا امروز اتهامات علیه تشیع از همیشه بیشتر است. در طول تاریخ بوده‌اند افراد کج‌فهم و کج‌تابی که علیه شیعه حرف زدند، اتهامات وارد کردند، دروغهائی ساختند ؛ اما امروز از همه‌ی آن اتهامات، حجم اتهامات بیشتر است و اینها دست سیاستهاست ؛ چرا این را نمیفهمند؟

ما هم باید بفهمیم ؛ ما شیعیان هم باید بفهمیم ؛ بدانیم سیاست استکبار امروز، جدا کردن شیعه از غیر شیعه است، جدا کردن گروه‌های مسلمان از یکدیگر و به جان هم انداختن گروه‌های مسلمان است. ما باید کمك نکنیم به این هدف ؛ ما بایستی نگذاریم دشمن به این هدف برسد ؛ هم ما موظفیم، هم غیر شیعه ؛ آن کسانی که شیعه نیستند ؛ جمعیتها و مذاهب غیر شیعه در اسلام. همه این را بدانند: امروز شیعه است که در ایران اسلامی، این پرچم اقتدار اسلامی و عزت اسلامی را بلند کرده است و بر روی دست گرفته و استکبار احساس عجز میکند ؛ این یك واقعیت است ؛ این یك واقعیت است. این توطئه‌هائی که در این سی سال علیه نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون - البته در رأس آنها آمریکا و خبیث‌ترین آنها انگلیس - انجام دادند، به خاطر این است که اینها مرعوبند ؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام میترسند ؛ میدانند که اگر دنیای اسلام به خود بیاید، توجه کند، احساس استقلال کند، احساس هویت کند، احساس عزت بکند، این منطقه‌ی حساس دنیا که در اختیار مسلمانان است - که حساس‌ترین مناطق دنیا، همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین است - از تحت سیطره‌ی استکبار بیرون خواهد رفت ؛ از این میترسند. چون میترسند، توطئه میکنند ؛ ابزارهای گوناگون را به کار میگیرند. امروز سردمداران سیاستهای استکباری - آمریکا و صهیونیستها و بقیه‌ی مستکبرین - همه‌ی توان خودشان را به کار

گرفته‌اند، بلکه بتوانند ملت ایران را، نظام جمهوری اسلامی را منزوی کنند، بی‌اثر کنند ؛ نتوانسته‌اند و به توفیق الهی، به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی باز هم نخواهند توانست.
در همین قضیه‌ی هسته‌ای شما ملاحظه کنید، کارشان به اینجا رسیده است که دروغ‌پراکنی کنند، افکار عمومی دنیا را گمراه کنند و دروغ بسازند. مسئله، مسئله‌ی فلان رادیو و فلان دستگاه تبلیغاتی نیست، مجموعه‌ی سیاستمداران غربی متأسفانه - یعنی همان مجموعه‌ی مؤثر که بیشتر هم تحت تأثیر صهیونیستها هستند - شده کارشان این: گمراه کردن افکار عمومی، دروغ‌پردازی کردن، شعارهای دروغین ساختن. ما میخواهیم از این رؤسای کشورها ؛ اینقدر دروغ نگویند. این دولتهای غربی، دولت آمریکا، دولت انگلیس، بعضی دیگر از دولتهای اروپائی، اینقدر افکار عمومی دنیا را گمراه نکنند. این دروغها به ضرر خودشان تمام خواهد شد ؛ امتحان کردند، دیدند. وقتی دروغ گفتند، خلاف گفتند، بعد حقیقت آشکار شد، آبروئی برای آنها نمیماند ؛ کما اینکه در بعضی از موارد همین اتفاق افتاد ؛ دروغی گفتند، افکار عمومی را گمراه کردند، کارهائی را بر اساس آن انجام دادند، بعد حقیقت روشن شد. ملتهای خودشان گریبان خود اینها را خواهند گرفت.
در قضیه‌ی هسته‌ای آنچه که ایران به دنبال آن است، دانش مورد نیاز است ؛ دانشی که اگر امروز ملت ایران آن را دنبال نکند، فردا دیر خواهد بود ؛ فردائی که نفتی به کار نباشد و همه‌ی چرخهای اقتصادی دنیا بر اساس نیروی هسته‌ای حرکت کند و ملت ایران دستش خالی باشد ؛ بنشیند منتظر که دیگران به او کمك کنند ؛ آنها این را میخواهند. مسئله‌ی هسته‌ای ما این است ؛ من بارها گفته‌ام.
ما امروز برای دانش هسته‌ای که برای ما مهم است، کار میکنیم که بیست سال دیگر، سی سال دیگر، فرزندان ما، جوانان ما، نسل آینده، ملت بزرگ ایران، آن روز دستش به طرف غربیها دراز نباشد. غربیها امروز که نفت مال ماست، از زمین ما نفت استخراج میشود و به آنها داده میشود، دارند برای همین نفت به ما زور میگویند! - امروز این نفتی که از چاه‌های این منطقه بیرون می‌آید، سودش برای دولتهای غربی از سودش برای کشورهای نفت‌خیز بیشتر است! - امروزی که نفت مال ماست، در اختیار ماست، دست ماست، زورگوئی میکنند، فردا که ما بخواهیم انرژی هسته‌ای را از خود آنها بگیریم، شما ببینید چه بر سر ملتها می‌آید. نظام جمهوری اسلامی فکر آن روز را میکند. لذا امروز اصرار میکند که ما بایستی این علم را، این فناوری را، این دانائی را، این تمکن را برای خودمان کسب کنیم. آن وقت جنجال راه می‌اندازند در دنیا که چرا میخواهید شما این را کسب کنید؟ و تهمت میزنند، افکار عمومی را گمراه میکنند که اینها دنبال بمب اتمند، اینها فلانند.
... (12) معلوم است. توجه کنید! معلوم است که این حق مسلّم ملت ایران است. منتها مسئله در این است که مستکبران عالم، برای اینکه این حق مسلّم را از دست ملت ایران بگیرند، با انواع حیل و ترفندها و تبلیغات در کارند که این اقدام را انجام بدهند. باید بصیر بود ؛ باید آگاه بود ؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه کار میکند. وقتی می‌بینند از عهده‌ی یك ملت با برخورد نظامی بر نمی‌آیند، با برخوردهای تهدیدآمیز و ارعاب‌آمیز بر نمی‌آیند، آن وقت شروع میکنند از طرق دیگر اخلال کردن ؛ این را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنی، بهانه‌جوئی.
امروز تبلیغات استکبار جهانی از جمله‌ی چیزهائی که بر آن تمرکز میکند، همین وجود اختلافات در داخل کشور است. یك عده‌ای پیش خدا باید جواب بدهند ؛ پیش خدا جواب بدهند که کاری بکنند که دشمن از او برداشت تفرق بکند در داخل کشور و جری بشود. مسئله این است که دشمن را بشناسیم ؛ ترفند دشمن را بفهمیم ؛ بدانیم که چه داریم میگوئیم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه‌ی ما استفاده بکند و جری بشود، تشویق بشود، روحیه پیدا کند و راه‌ها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند ؛ اینها چیزهائی است که باید توجه داشت.
البته ملت ما بحمدالله ملت صبور و غیور و دارای استقامتی است ؛ این را ثابت کرده است. ملت ما در طول این سی

سال و قبل از این سی سال در دوران انقلاب، این را نشان داده است ؛ ما صبوریم. حالا سرکردگان استکبار و سخنگویان آنها هِی توی تبلیغاتشان میگویند صبر ما دارد به آخر میرسد، ما دیگر طاقتمان دارد تمام میشود - آنها در مقابل ایران میگویند - شما صبری نکردید در مقابل ملت ایران ؛ کجا شما صبر کردید؟ هر جا هر کار توانستید، کردید ؛ هر کاری از دستتان بر می‌آمده است، علیه ملت ایران انجام داده‌اید. شما کِی صبر کردید؟ توطئه نکردید؟ تبلیغات نکردید؟ تحریم اقتصادی نکردید؟ حمله‌ی نظامی نکردید؟ سگهای زنجیری خودتان را رها نکردید در منطقه؟ - یعنی اسرائیل غاصب علیه نظام جمهوری اسلامی - کِی شما صبر کردید که حالا میگوئید صبر ما دارد تمام میشود؟! صبور، ملت ایران است. مائیم که صبر کردیم، مائیم که ایستادگی کردیم، مائیم که توطئه‌ی شما، تبلیغات شما، هیاهوی شما را ندیده گرفتیم، راه خودمان را ادامه دادیم. و این ملت همین راه را، همین راهی که انگشت اشاره‌ی امام بزرگوار ما، امام راحل ما، به ما نشان داد، با همه‌ی وجود، به کمك الهی، با همت این جوانها طی خواهد کرد و ان‌شاءالله به آن قله‌ی نهائی هم خواهد رسید.

تلاش را رها نکنید، جوانان عزیز! کار را رها نکنید، بصیرت را رها نکنید. امیرالمؤمنین الگوست ؛ الگوی شما جوانهاست. علم امیرالمؤمنین، تقوای امیرالمؤمنین، پاکدامنی امیرالمؤمنین، الگوست. اینها را رها نکنید. جهاد در راه خدا را، تلاش در راه خدا را - که هر میدانی، جهاد متناسب خودش را دارد - رها نکنید و بدانید که فردای این کشور از امروز این کشور بمراتب ان‌شاءالله بهتر خواهد بود. و این فردا متعلق به شماست. و روح امیرالمؤمنین (علیه آلاف التّحیّة و الثّناء) و دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه)، ان‌شاءالله پشتیبان شما خواهد بود.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) مائده: 67
2) مائده: 67
3) مائده: 3
4) مائده: 67
5) احتجاج، ج 1، ص 78
6) بقره: 207
7) انسان: 8
8) مائده: 55
9) مفاتیح الجنان، دعای ندبه
10) نهج البلاغه، 451، نامه ی 62
11) بحارالانوار، ج 68، ص 360
12) شعار حضار: انرژی هسته ای حق مسلم ماست